



شانس موفقیت غرب در مقابل پروژه «کمر بند و جاده» چقدر است؟

# سایه چین بر اجلاس جی ۷

مقابله با پروژه «کمر بند و جاده» طراحی دولت بایدن برای تقسیم کردن جهان به ۲ بخش حامیان و مخالفان آمریکا است

همین صفحه



قهرمانی تاریخی تیم ملی تکواندو بانوان ایران در آسیا با ۳ مدال طلا

## دختران مان توانستند

### تیتراهای امروز

بیکر مرحوم دکتر احمد مهدوی دامغانی در جوار حرم علی بن موسی الرضا به خاک سپرده شد

## میهمان دارالحججه



پلیس ایران بازم رکورد شکست

## دزدگیری در ۲۰ دقیقه

خطیب زاده درباره گفت و گوهای قطر خبر داد

## مذاکره بر اساس پیشنهاد ایران

اعلام موافقت دولت با طرح تشکیل وزارت بازرگانی

## تفکیک بازرگانی از تولید

شکست سیاست های ضد تورمی در آمریکا و اروپا و ادامه تنش ها در اوکراین

## اقتصاد دنیا در آستانه رکود؟

صفحات ۵ و ۶

### نگاه

## مضحک های به نام ناتوی غرب آسیا

مهدی کرگانی: عبدالله دوم، پادشاه اردن اخیراً از امکان تشکیل یک پیمان نظامی در منطقه غرب آسیا همانند پیمان ناتو سخن گفت که بسیاری آن را تعبیر به ناتوی غرب آسیا کرده اند. طبق گفته منابع آمریکایی، واشنگتن قصد دارد با کمک رژیم اشغالگر قدس یک ائتلاف دفاع هوایی و موشکی با مشارکت اردن، مصر، عراق و اعضای شورای همکاری خلیج فارس (رژیم سعودی، امارات، بحرین، قطر و کویت) راه اندازی کند. نیابرد اما تحلیلگران معتقدند هدف اصلی تشکیل این ائتلاف احتمالاً مقابله با ایران در منطقه خواهد بود. اعلام این موضوع در آستانه سفر جو بایدن، رئیس جمهور آمریکا به سعودی و فلسطین اشغالی نیز نمایان می کند که واشنگتن و تل آویو در پشت پرده این تصمیمات و تحولات در غرب آسیا قرار دارند.

اما آیا رژیم صهیونیستی و آمریکا در پیشبرد چنین طرحی برای منزوی کردن ایران در منطقه کاری از پیش خواهند برد؟

۱- ایده تشکیل ناتوی غرب آسیا، جدید نیست و رژیم معمول صهیونیستی از مدت ها قبل به دنبال تشکیل چنین ائتلافی علیه ایران است اما موانع این ایده آنقدر زیاد است که هیچ گاه به منصفه ظهور نرسید. اکنون که صهیونیست ها خود را در پرونده هسته ای و مخصوصاً مقابله با نفوذ ایران در سراسر منطقه شکست خورده و مستاصل می بینند، دوباره ایده آن را در گوش سران خائن کشورهای غربی منطقه زمزمه می کنند. با این حال ناظران سیاسی معتقدند بعد است رژیم موقت صهیونیستی بتواند ائتلاف جامعی تشکیل دهد و از همین حالا مشخص است که برخی کشورهای عربی آشکاراً از پیوستن به آن خودداری می کنند. عراق اخیراً با تصویب قانونی هر گونه مرادف با اسرائیل را ممنوع کرد. کویت همچنان به سیاست خصمانه خود علیه اشغالگران پایبند است و در قطر نیز هیچ نشانه ای از عادی سازی و تمایل به همکاری با صهیونیست ها دیده نمی شود. عمان نیز از روابط حسنه ای با ایران برخوردار است و به گفته کارشناسان به هیچ ائتلافی علیه ایران نخواهد پیوست. با این اوصاف فقط رژیم صهیونیستی خواهد ماند و تعداد کمی از کشورهای عربی که تا حالا نیز به صورت ناوخته علیه ایران متحد بوده و هر بار نیز با شکست های خفت بار مواجه شده اند.

۲- دونالد ترامپ، رئیس جمهور تروریست پیشین آمریکا، سال ۲۰۱۷ با سفر به ریاض ایده تشکیل ناتوی عربی را مطرح کرد و با خروج از برجام، طرح فشار حداکثری علیه ایران را کلید زد. وی در کنار آن با تشدید تنش ها در خلیج فارس...

ادامه در صفحه ۶

شکل گیری بحران اوکراین این بود که روسیه را درگیر جنگی بلندمدت و نفسگیر کند تا نتواند با ضعیف کردن مسکو، به سمت حل فصل مسائل خود با چین رفته و رقابت اقتصادی با چین را نیز به رقابت سیاسی و نظامی تبدیل کند. با این حال دولت او گمان نمی کرد با افزایش فشارها بر چین به دلیل مسأله تایوان و همچنین روسیه به دلیل اوکراین این ۲ کشور بتوانند اتحاد جدیدی بین خود ایجاد کرده و در همین حال به جبهه کشورهای تحریم شده توسط آمریکا پیوسته و اقدامات اقتصادی خود را در همین گروه دنبال کنند. آمریکا بایا گمان می کند با تحت فشار قرار دادن چین می تواند باقی کشورهای تحت تحریم را نیز وادار به تبعیت از خود کند اما به این موضوع فکر نکرده اند که در صورت اتحاد این کشورها با یکدیگر و تشکیل شدن واقعی جبهه شرق در برابر جبهه غرب قرار است چه بلایی بر سر اقتصاد غرب بیاید.

با این حال شیوه برخورد کشورهای غربی با پروژه «کمر بند و جاده» تا اینجای کار به نظر بسیار ضعیف می آید، زیرا این پروژه در طول حدود یک دهه گذشته با قراردادهای متنوع و البته کاملاً محرمانه در حال پیشروی بوده و عزم چینی ها برای گسترش این روابط با رقابت با آمریکا بیشتر نیز شده است. در همین راستا می توان بیان کرد که اولویت های چین و آمریکا در سرمایه گذاری در کشورهای آسیایی کاملاً متفاوت است. چین به دنبال گسترش زیرساخت های حمل و نقل ریلی و جاده ای برای پیشبرد اهداف خود در رسیدن به بازارهای اروپایی است اما آمریکا به دنبال سرمایه گذاری در زمینه تغییرات آب و هوایی با سرمایه گذاری در زمینه تغییر سیستم سیاسی این کشورها برای بردن آنها به سمت آنچه خود دموکراسی می نامد، است. تفاوت دیدگاه های ۲ کشور زمانی که با فرهنگ سرمایه گذاری در شرق و غرب تا چه حد می تواند کشورهای منطقه را با خود درگیر کند.

شوند و سیاست های داخلی و خارجی شان را براساس همین مسأله تنظیم کنند. آمریکایی ها معتقدند پروژه «کمر بند و جاده» برای کشورهای منطقه تله بدی به بار می آورد که باعث می شود در نهایت آنها با حضور اقتصادی، فیزیکی و نظامی چین در کشورهای شان موافقت کنند و در نهایت کل این کشورها در دام سیاست های پکن بیفتند اما نقشه راه غرب برای مقابله با این اقدام، ایجاد تله ای دیگر برای فرورفتن کشورهای منطقه در دام بدی غرب است! کشورهای با اقتصاد قوی مانند هندوستان نیز در این زمینه مستثنی نیستند و به نظر می رسد تحلیلگران هندی نیز بر این عقیده اند که دولت مودی نباید در دام شعارهای زیبای کشورهای غربی برای افزایش همکاری های اقتصادی بین هندوستان و این کشورها بیفتد. چندی پیش دولت بایدن کنفرانسی با عنوان دموکراسی در جهان برگزار کرد و در آن به وضوح بیان کرد از نظر آمریکا کشورهای جهان به ۲ بخش دموکراتیک و غیردموکراتیک تقسیم می شوند؛ دوستان آمریکا و مخالفان آن که نام هر کدام از این گروه ها را می توان طرفداران دموکراسی و مخالفان آن بیان کرد. در این اجلاس خبری از چین یا روسیه یا برخی دیگر از کشورهای منطقه نبود و در عین حال کشورهایی که از لحاظ مبانی آکادمیک سیاسی اصلاً دموکراسی حساب نمی شوند (مانند مصر) در این اجلاس حضور داشتند. سیاست کمک به کشورهای حوزه آسیایی برای دوری جستن از چین و به شکست کشاندن پروژه «کمر بند و جاده» دقیقاً بر همین مناسبت و نشان می دهد آمریکا به دنبال تقسیم کردن جهان به ۲ بخش حامیان آمریکا و مخالفان آن است. این پروژه در هر زمان می تواند دو گانه جدید با نام های جدید را به وجود بیاورد؛ مانند کشورهای دارای دموکراسی یا کشورهای غیردموکراتیک، کشورهای متمدن و کشورهای غیرمتمدن یا حتی کشورهای جبهه غربی و کشورهای جبهه شرقی. به نظر می رسد برنامه دولت بایدن از ابتدای

## سایه چین بر اجلاس جی ۷

غرب را نگران کرده است، زیرا کشورهای غربی تلاش دارند در نخستین اقدام به سمت سرمایه گذاری گسترده در آفریقا بروند تا مانع حضور و تأثیر گذاری چین بر کشورهای این قاره شوند. اعضای گروه جی ۷ معتقدند باید با سرمایه گذاری گسترده تر در این مناطق وابستگی آنها به کشورهای غربی را همچنان حفظ کرد. بر همین اساس قرار است سرمایه گذاری ۲ میلیارد دلاری در بخش باتری های خورشیدی در آنگولا در جنوب شرق آفریقا و همچنین سرمایه گذاری ۳۲۰ میلیون دلاری در بخش سلامت در غرب آفریقا و ۴۰ میلیون دلار نیز برای گسترش زیرساخت های انرژی در جنوب شرق آسیا هزینه شود.

نکته جالب توجه در این مسأله حضور فعال شرکتها و گروه های غیردولتی برای فعالیت های اقتصادی و سیاسی در این مناطق است. به طور مثال آژانس ایالات متحده برای توسعه بین المللی (USAID) متعهد شده است ۵۰ میلیون دلار در طول ۵ سال آینده برای اقدامات بانک جهانی درباره سرمایه گذاری در بخش مراقبت از کودکان هزینه کند، گروه غیردولتی و غیرانتفاعی گلوبال سیتی نیز که گروهی غیردولتی در آمریکا است، متعهد شده است فعالیت های خود در این مناطق را افزایش دهد.

اگرچه به نظر می رسد این اقدام دولت های غربی برای توسعه سرمایه گذاری در این کشورها به نفع آنها باشد، با این حال نوع هزینه کردن این سرمایه و برنامه هایی که قرار است در آن سرمایه گذاری غربی صورت گیرد، نشان می دهد غرب به دنبال کمک به کشورهای در حال توسعه در منطقه نیست و تنها به این می اندیشد که سرمایه گذاری های چین در این مناطق را بی اثر کند یا سیستم سیاسی کشورهای منطقه را وادار کند بین سرمایه گذاری غربی و سرمایه گذاری چینی یکی را انتخاب کنند. با این حال سرمایه گذاری غربی قرار نیست کمک مالی یا وام بلاعوض باشد و کشورها در واقع آنطور که تحلیلگران روابط بین المللی می گویند قرار است در تله بدی به کشورهای گروه جی ۷ و بانک جهانی گرفتار

باشند، زیرا هدف اصلی در این سرمایه گذاری مقابله با تغییرات آب و هوایی، بهداشت جهانی، برابری جنسیتی و زیرساخت های دیجیتال است؛ مسأله ای که چندان هم در برنامه های چین در این کشورها دیده نشده است. چین به صورت ساخت و ساز برای راه است با سرمایه گذاری، به ساخت زیرساخت های حمل و نقل ریلی و جاده ای و توسعه این کشورها کمک کند و کاری به عرصه سیاست ندارد و این دقیقاً وجه اختلاف سرمایه گذاری های چین با کشورهای غربی در این کشورهاست.

بایدن در همین حال تأکید کرده است که این منابع مالی به صورت خیریه یا کمک در اختیار این کشورها قرار نمی گیرد. او در این باره گفته است: «این سرمایه گذاری باید برای همه بازگشت داشته باشد. این سرمایه گذاری به کشورها امکان می دهد از منافع شریک شدن با دموکراسی ها برخوردار شوند». بایدن همچنین پیشنهاد کرده است منابع مالی بیشتر که می تواند بالغ بر صدها میلیارد دلار باشد، می تواند برای توسعه فعالیت های دوجانبه بانکی، توسعه مؤسسات اقتصادی و منابع سرمایه ای برای حاکمیت های مختلف مورد استفاده قرار گیرد.

شی چین پینگ، رئیس جمهور چین از سال ۲۰۱۳ طرح «کمر بند و جاده» را کلید زد. این تلاش حدوداً ۱۰ ساله چند تریلیون دلاری باعث گسترش سرمایه گذاری و توسعه در بخش زیرساخت ها در بیش از ۱۰۰ کشور شده و جاده باستانی ابریشم را که از آسیا به سمت اروپا می رفت احیا خواهد کرد. مقامات غربی مدت های زیادی است بر این باورند این اقدام می تواند کشورهای مسیر جاده ابریشم را به چین وابسته کرده و این کشور را برای تأثیر گذاری بر سیاست های آنها قدرتمند کند.

سران کشورهای غربی همچنین بر این عقیده اند طرح «کمر بند و جاده» نفع بسیاری برای عرصه اقتصادی چین خواهد داشت و قدرت چین در دنیا را بشدت افزایش می دهد؛ بر همین مبنا باید جلوی اجرایی شدن این پروژه به هر صورت ممکن گرفته شود، البته به نظر می رسد تنها پروژه «کمر بند و جاده» نیست که

## یادداشت

ثمانه اکوان: بعد از سال ۲۰۱۴ و الحاق کریمه به روسیه، سران اعضای گروه جی ۷ تصمیم گرفتند روسیه را از این گروه بیرون انداخته و تصمیماتی کاملاً هماهنگ با سیاست های غرب را در مقابل مسکو در پیش گیرند. از سال ۲۰۱۴ تاکنون تمام اجلاس های برگزار شده به محلی برای هماهنگی سیاست های غرب در مقابل روسیه تبدیل شده است. اجلاس گروه جی ۷ که روز گذشته برگزار شد اما به جای تمرکز ویژه بر روسیه و جنگ اوکراین به سمت تمرکز بر چین و جلوگیری از انجام شدن پروژه «کمر بند و جاده» رفت.

سران گروه جی ۷ روز گذشته تصمیم گرفتند ۶۰۰ میلیارد دلار برای مقابله با سرمایه گذاری های چین در کشورهای که قرار بود پروژه «کمر بند و جاده» در آنها اجرایی شود، اختصاص دهند. رهبران ۷ کشور قدرتمند اقتصادی (آلمان، فرانسه، ایتالیا، ژاپن، بریتانیا، کانادا و ایالات متحده آمریکا) به جای پرداختن به جنگ اوکراین و تلاش برای پایان دادن به این جنگ تنها به مسخره کردن عکس های جدید پوتین که او را در حال سوار کاری نشان می داد، پرداختند و در نهایت به سیاستی رای دادند که جو بایدن برای مقابله با چین به این گروه پیشنهاد کرده بود؛ برنامه «شراکت برای سرمایه گذاری و زیرساخت جهانی» توسط بایدن در این اجلاس که در جنوب آلمان برگزار شده بود، پیشنهاد شد که براساس آن رهبران گروه جی ۷ به این نتیجه رسیدند ۶۰۰ میلیارد دلار در طول ۵ سال آینده برای کشورهای در حال توسعه که محل عبور پروژه کمر بند و جاده هستند در نظر گرفته شود.

ایالات متحده وعده داده است حدود ۲۰۰ میلیارد دلار از این بودجه را از بودجه های فدرال خود تأمین خواهد کرد و از سرمایه گذاران خصوصی در آمریکا نیز می خواهد در این کشورها سرمایه گذاری های قابل توجهی داشته باشند. با این حال نگاهی به جزئیات این برنامه نشان می دهد کشورهای غربی نمی توانند جایگزین مناسبی برای برنامه های زیرساختی چین در این کشورها داشته